

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴

## خطاهای مورخان: رویکرد تاریخی میان روایت (نقل) و عقل<sup>۱</sup>

عبدالحکیم غنتاب کعبی<sup>۲</sup>

ترجمه هادی الهایی<sup>۳</sup> و حدیث محمودی برام<sup>۴</sup>

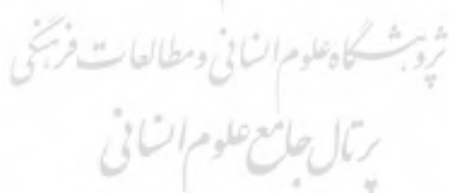
تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۷

### چکیده

به دور از گرایش به مبالغه در نقد میراث تاریخی، اهمیت دور ماندن و برحذر بودن از اطمینان ساده در به کار بردن یا تداول سخن (خبر) تاریخی که منطبق با عقل نباشد را ضروری و مهم می‌یابیم. هدف از بکار بردن عقل در اینجا مطابقت بین سخن و واقعیت می‌باشد. خواننده و مورخ معاصر باید ایمان داشته باشد که اطلاعات فریبنده و نادرست چه اینکه به صورت مکتوب یا به خاطر تکرار آن در منابع مختلف نباید به عنوان یک حقیقت جلوه گردد. این مقاله تلاشی (سیستماتیک) برای روشن شدن بسیاری از خطاهایی\* است که سهواً یا عمدتاً گریبانگیر مورخان شده است.

واژگان کلیدی: خطاهای مورخان، ویکو، ابن خلدون، رویکردهای تاریخی روایت (نقل) و عقل.



۱ این مقاله ترجمه‌ای است از:

غنتاب الکعبی، عبدالحکیم، أوهام المؤرخین: المنهج التاريخی بین النقل والعقل، دراسات تاريخية العدد السابع عشر كانون الأول، ۲۰۱۴، ص ۲۰۹-۲۲۲.

۲. استادیار مرکز پژوهش‌های بصره و خلیج [فارس] دانشگاه بصره.

۳. کارشناس ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس از دانشگاه شهید چمران اهواز karaarehaie@yahoo.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خلیج فارس دانشگاه شهید چمران اهواز

## مقدمه

مشکل صداقت که مترادف حقیقت، و کذب که مترادف تخیل در تاریخ است مسئله‌ای قدیمی، به قدمت آگاهی از تشکیل مراحل تاریخ است که در گذشته، اعراب برای آن راهکارهایی ارائه کرده و تا حدودی مؤسسه تاریخی خود را در آن زمان رضایت کردند. هزار روایت غیر واقعی و رویدادهای جعلی برای اهداف عجیب و غریب و یا اهدافی که برای آینده دور پیش‌بینی شده است وجود دارد و چه بسا که آن رخدادها ساختگی یا خطاهایی که میان خیلی از حقایق رخنه پیدا کرده از طرف خواننده ساده و بی‌تخصص مورد قبول واقع گردد و بدون آگاهی از آن‌ها دفاع نماید. قابل توجه است که وقایع ساختگی و جعلی بیشتر از حقایق تاریخی و مجری‌ات کنونی آن تأثیر بیشتری بر احساسات و عواطف مردم دارند.

به دور از گرایش نقد میراث تاریخی، بر اهمیت احتیاط و دوری از اطمینان ساده و بی‌تکلف در بکار بردن یا تداول اطلاعات تاریخی که با عقل همخوانی نداشته باشند تأکید می‌شود و هر خواننده و تاریخ‌نگار معاصر باید ایمن داشته باشد که اطلاعات فریبنده و به حکم اینکه مکتوب یا به طور مکرر در منابع ذکر شده به عنوان حقیقت نمایان نشود.

هنگامی که اسلام در جوهره خود، انسان‌ها را به کاربرد عقل در زمینه اندیشه و عدل در زمینه رفتارهای اجتماعی دعوت نمود، دعوت بر تأکید عقلانیت رویکرد تاریخی با آن حقیقت منسجم بود. این پژوهش اقدامی است برای پرداختن به رویکردهای تاریخ‌نگاران در تدوین تاریخ عربی - اسلامی و خطاها و مغالطه‌هایی که برخی عمداً یا سهواً به آن دچار شده‌اند و سپس در منابع و مؤلفه‌های تاریخی متداول گردید که عبارت‌اند از داستان‌ها و اخبار غیر واقعی که ساخته و پرداخته خیال آدمی و با واقعیت و عقلانیت به هیچ‌گونه همخوانی نداشته و امکان رد و نفی مصداقیت آن‌ها به سادگی و سهولت قابل امکان است ولی در کتاب‌ها و بر سر زبان انسان‌ها از سال‌ها و قرن‌ها متداول می‌باشد. امیدواریم رویکردی را که در این پژوهش بکار می‌بریم کمکی برای خوانندگان تاریخ و کسانی که علاقمند به مطالعه آن و نیز بکار بردن عبرت‌ها و درس‌های غنی آن برای خدمت رسانی به حال و آینده باشد.

فیلسوفان تاریخ و در رأس آن‌ها ابن خلدون دانشمند جهان اسلام و عرب و بعد از او ویکو\* در مغرب زمین به این پدیده‌ها در تدوین تاریخ پی برده‌اند که ابن خلدون آن‌ها را (مغالطه‌ها و خطاها) خواند، در حالی که ویکو از آن‌ها به عنوان (خطاهای تاریخ نویسان)<sup>۱</sup> نام می‌برد.

پس خطا چیست؟ و علل آن چیست؟ بر وفق دو رویکرد (ابن خلدون) و (ویکو) در پژوهش تاریخ؟  
خطا چیست؟

\*. Giambattista Vico

۱. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۷.

۲. صبحی، فی فلسفه التاریخ، ص ۶۷.

خطا دیدگاه باطلی است که بر سایر نقطه نظرهای نادرست بر ذهنیت کسانی که اعتقاد به صحت آن به طور یقین دارند مسلط شده و متمایز می‌گردد و آن در مصداقیت تعدادی از دیدگاه‌هایی که به آن‌ها روی آورده است و به طور معمول این نظریه‌ها به علت رواج آن‌ها به طور غیر صحیح و فاقد هرگونه مصداقیت یا برهان در آرای به کار رفته می‌باشند.<sup>۱</sup>

### ابن خلدون و رویکرد آن

عبدالرحمن بن محمد بن خلدون یکی از معروف‌ترین روشنفکران عرب به شمار می‌رود که در قرن هشتم هجری / چهاردهم میلادی می‌زیست و دارای مؤلفات و پژوهش‌های زیادی در زمینه‌های مختلف بر وفق تنوع و رویکرد فکری اش است. او فیلسوف، تاریخ‌نگار و آگاه به علم سیاست، اقتصاد، تصوف و بنیانگذاری بدون رقیب و نظیر در علم جامعه‌شناسی بود. او اولین پایه‌گذار فلسفه تاریخ در نزد عرب‌هاست ولی از طرف مردم غرب بیشتر از صاحبان فرهنگ عرب مورد توجه واقع شد. اصل و منشاء وی از حضرموت است. خانواده او همزمان با فتوحات اسلامی به اندلس و از آن جا به مراکش مهاجرت کردند و سپس در تونس ماندگار شدند او در تونس در سال ۷۳۲ هـ ق / ۱۳۳۲ میلادی به دنیا آمد و در سال ۸۰۸ هـ ق / ۱۴۰۶ م در قاهره دار فانی را وداع گفت.<sup>۲</sup>

ابن خلدون در مطالعه تاریخ دو روش را بکار برد: ۱- روش استقرایی ۲- روش تجربی. روش استقرایی بر ذهن و حواس و روش تجربی بر تاریخی که بر متافیزیک و آرمان‌گراییها پایبند نباشد، اعتماد می‌کند.<sup>۳</sup> ابن خلدون سبک خود را در شک عقلی جدا از تخصصی که در زمینه علم حدیث بر مصداق روایت آن صحنه گذاشت از فقه‌های گذشته مسلمانان به ارث برد. او در این زمینه نوشته است: «از علوم حدیث دقت در منابع و آشنایی با احادیثی که دارای سند کامل باشند، زیرا عمل واجب تر از عملی که همراه با شک و تردید باشد و به عنوان اخباری از رسول خدا (ص) مورد قبول واقع شد که در راهی که همراه با شک و تردید باشد اجتهاد کرده و آن به مثابه شناخت راویان حدیث از مصداقیت و عدالت آن‌هاست به طوری که اثبات آن از طریق نقل از بزرگان دین بوده و براءت از تزویر و غفلت آن‌ها دلیل و برهان محکمی در قبول یا رد آن برای ما باشد و نیز جایگاه راویان از صحابه و تابعین و تفاوت آن‌ها در این امر و متمایز بودن آن است.»<sup>۴</sup>

ابن خلدون پژوهشگری دقیق و نقدکننده ای ماهر بود. ولی به جای بکار بردن شک منطقی خود در علم فقه و کلام، در اثبات موضوع علم جدید خود آن را به کار برد که همانا علم جامعه‌شناسی و عمران بشری و بیان مسائل و آن چیزی که در آن‌ها علائم ذاتی نمود پیدا می‌کند است. به ویژه علائم اجتماعی و موجبات تغییر در شرایط ملت‌ها و نسل‌ها که همگی آن‌ها علت‌هایی دارند. او در مطالعه تاریخ و تدوین آن به جای

۱. صیداوی، اوهام الخلط، ص ۵.

۲. ابن خلدون، المقدمه، ج ۱، ص ۳.

۳. عاملی، ابن خلدون و تفوق الفكر العربي، ص ۴۳۸.

۴. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۳۴۹.

شک و بررسی دقیق حدیث شیوه منتقدانه آن را بکار برد، کما اینکه در بررسی روایات و اخبار از شیوه بررسی دقیق استفاده کرد که به مثابه تشکیل دهنده علم تاریخ و سپس خود تاریخ است، پس تاریخ همان طور که ابن خلدون می‌گوید:

«در ظاهر بیشتر از اخباری که مربوط به گذشته‌ها، کشورها و سوابق سال‌های گذشته نیست و در باطن آن نقطه نظرها، پژوهش‌ها، بررسی کائنات و اصول، وقوع و علت رخ دادن آن‌ها به طور دقیق است»<sup>۱</sup> بعد از اینکه ابن خلدون در حقیقت برخی از اخبار و روایات شک و تردید می‌کند نمونه‌هایی از غیر صحیح بودن آن‌ها یا رخدادهایی که اصلاً اتفاق نیفتاده باشد را ذکر می‌کند:

«به هر چیزی که برای شما گفته می‌شود اعتماد نکنید و در قبول اخبار بیندیشید و آن‌ها را با قوانین درست مقایسه کنید که در این صورت بررسی دقیق آن‌ها به بهترین وجه برایتان میسر می‌شود.»<sup>۲</sup> به همین خاطر درمی‌یابیم که او برای بررسی و پی بردن به علت دروغ در اخبار و روایات کنجکاو خاصی اتخاذ کرد و برای این امر اهمیت زیادی قائل بود و در این کار برای رویکرد عقلی از منشأ در تفکیر و مهارت و استدلال منطقی برخوردار بود و بر اساس طبیعت سرشت نفس آدمی و قوانین حاکم استناد می‌کرد.

ابن خلدون - به طور مثال - در ارقامی که مسعودی و برخی از تاریخ نگاران درباره ارتش بنی اسرائیل ذکر کرده‌اند، شک و تردید می‌کند «گرچه حضرت موسی (ع) آنان را در صحرا شمارش کرد و بعد از اینکه به کسانی که توان حمل سلاح داشتند اجازه داد به خصوص کسانی که سن آنان بیست سال یا بیشتر بود که ششصد هزار یا بیشتر بودند. همچنین فاصله زمانی که میان حضرت موسی (ع) و اسرائیل بود به روایت محققان چهار نسل است و بعید است که نسل به چهار دوره در این ارقام متشعب شود حتی اگر ادعا کنند که تعداد این ارتشیان در زمان حضرت سلیمان (ع) و بعد از آن بوده باشد، یعنی اینکه بین حضرت سلیمان (ع) و اسرائیل یازده نسل است. به طوری که نسل طبق ادعای آنان به اندازه عدد ذکر شده نخواهد رسید مگر اینکه صدها یا هزاران باشد که این امر جایز است ولی به هیچ عنوان بیشتر از آن نخواهد بود که در این صورت و با توجه به دلالت‌های موجود، ادعای آن‌ها را باطل و دروغ می‌یابیم»<sup>۳</sup>

روایت در اینجا واضح، روشن و از دقت بیشتری برخوردار است و علت نادرست بودن آن به سرشماری اعداد (ارقام) مربوط می‌شود که در بیشتر اوقات «می‌توان در صحت و کار برد آن‌ها شک و تردید کرد.»<sup>۴</sup> یعنی یا غیر دقیق و یا مبالغه در آن‌ها بکار رفته و یا اینکه جعلی و مطلقاً صحیح نمی‌باشند. همچنین ابن خلدون در تعداد ارتشیان که منابع آن‌ها را در اخبار جنگ‌ها ذکر می‌کنند شک و تردید می‌کند.<sup>۵</sup> و یا

۱. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۲.

۲. همان، ص ۳.

۳. همان، ص ۷.

۴. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۷.

۵. همان، ص ۸.

اطلاعات جغرافیایی که برخی از تاریخ نویسان آن‌ها را ذکر می‌کنند (مانند دشت شن) در مراکش<sup>۱</sup> و (ارم ذات العماد) در صحراهای عدن و ویژگیهای عجیبی که خیال پردازی در آن واضح است.<sup>۲</sup> ابن خلدون تمام این پژوهش‌ها را انجام داده و از علت دروغ در روایات و اخبار خبر داده که بر اساس رویکرد منتقدانه دقیق وی بوده است.

### علت‌های وضع نزد ابن خلدون

ابن خلدون مؤلفات مورخان قبل از خود را مرور کرد و خطاها و اشتباهاتی را در آن‌ها یافت. او به کشف و تشخیص آن‌ها بسنده نکرد و اقدام به پژوهش و تحقیق در علل آن‌ها نمود و دریافت که عللی وجود داشتند که توصیف را غیر صادق جلوه می‌دهند یعنی اجازه داده که دروغ وارد حیطه اخبار و روایت شود، چه اینکه درباره کشورهای، اشخاص یا وقایع گذشته باشد. مهم‌ترین علت‌های مقتضی برای دروغ در اخبار از نظر ابن خلدون عبارت‌اند از:

- تشیع برای نقطه نظرها و مذاهب<sup>۳</sup>
  - اعتماد مطلق به روایت کنندگان<sup>۴</sup>
  - خطا برانگیزی در صدق<sup>۵</sup>
  - پنهان کردن حقایق از طریق نزدیکی مردم به اصحاب مقام و رتبه و مدح و ثنای آنان برای بهتر شدن احوال معیشتی و اشاعه ذکر آن از این راه<sup>۶</sup>
  - در عجب بدون از اهداف<sup>۷</sup>
  - خطا در مبالغه یعنی (علاقه شدید نفس به چیزهای عجیب)<sup>۸</sup>
  - اندازه گیری و شبیه سازی<sup>۹</sup>
  - جهل در تطبیق اوضاع بر وقائع<sup>۱۰</sup>
- ابن خلدون از طریق این سبک خواست که راه درست در تمایز بین ممکن و غیرممکن از اخبار را برای ما روشن سازد و انتقاد شدیدی را برای بیشتر مورخان در نقل روایت‌ها توجیه کند. او اخباریون را با این عبارت

رتال جامع علوم انسانی

۱. همان، ص ۱۰.
۲. همان، ص ۱۰.
۳. همان، ص ۲۸.
۴. همان، ص ۲۸.
۵. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۲۸.
۶. همان، ص ۲۸.
۷. همان، ص ۲۸.
۸. همان، ص ۲۸.
۹. همان، ص ۲۸.
۱۰. همان، ص ۲۹.

مورد انتقاد قرار داد: چه بسا که مورخان و مفسران و پیشگامان نقل، در روایت داستان‌ها و وقایع دچار اشتباه شدند و علت آن اعتمادشان بر مجرد نقل صحیح یا غیر صحیح بود که بدون ارجاع آن بر اصول خود و عدم مقایسه‌اش با قضیه مشابه آن عمل کردند و از مقوله حق دوری جسته و در تاریکی خطا و اشتباه گم شده‌اند.<sup>۱</sup> در موضوع دیگری در کتاب "مقدمه" می‌گوید: به دور کردن بسیاری از اثبات و مورخان حافظ چنین احادیث و آرائی اقدام کردم و اندیشه‌های آن‌ها را شرح نمودم. افرادی که دارای نقطه نظرهای ضعیفی بودند این دیدگاه‌ها را روایت کردند و آن‌ها نیز بدون پژوهش و تأمل، این روایت‌ها را پذیرفتند.<sup>۲</sup>

### ویکو و رویکرد آن

جیووانی باتیستا ویکو، ایتالیایی الاصل و در سال (۱۶۸۸م) در شهر نابولی دیده به جهان گشود. او درس فلسفه، الهیات، قانون و به خصوص قانون رومانی را فرا گرفت و به عنوان استاد خطابه در نابولی مشغول به تدریس شد. ویکو نه تنها یکی از پایه‌گذاران قواعد و قوانین فلسفه تاریخ در اروپا در دوران مدرن به شمار می‌رود، بلکه وی پدر فلسفه تاریخ قبل از تأسیس آن در فرانسه توسط ولتر یا در آلمان بوسیله لسترنج و کانت است.

از دیدگاه ویکو تاریخ نزدیک‌ترین علوم به انسان است، زیرا بوسیله او ساخته شده و در نتیجه اراده و تفکر اوست. ویکو انسان را موجودی تاریخی توصیف می‌کند و سبک او را در بحث و پژوهش رویکردی تکاملی که بر بینش مورخ و قدرت او در پژوهش عبارات اراده بشریت و سپس از طریق انسانیت خود می‌تواند افعال انسان‌ها را درک نموده و با آن‌ها سازگار شود می‌داند. ویکو عقیده دارد که افسانه‌ها همان تاریخ اولیه ملت‌ها هستند و تفسیر صحیح آن‌ها فرصت را برای جمع‌آوری اطلاعات زیادی از گذشته و وقایع آن را فراهم می‌سازد.<sup>۳</sup>

ویکو قصد داشت که نقش دانشمند معروف (بیکون) صاحب سبک تجربی در علوم طبیعی از حیث رویکرد را ایفا کند ولی با اشاره کردن به برخی از خطاهای بیکون متأثر شد و تأکید کرد که مورخان در معرض خطاهای این چنینی همانند آن چیزی که علمای طبیعت به آن دست زدند قرار دارند و باید سبکی را برای بحث و پژوهش آن‌ها اتخاذ کرد. ویکو خطاهای مورخان که شبیه با خطاهایی که ابن خلدون در سه قرن پیش از او رصد کرده بود را به صورت زیر خلاصه کرد که عبارت‌اند از:

**- خطای عظمت و درشت نمائی:** ملت فقط به مدح و ستایش گذشته خود اقدام نموده و جوانب شکوه، قدرت و ثروت خود را به رخ می‌کشند.

۱. همان، ص ۷

۲. همان، ص ۹

۳. صبحی، فی فلسفه التاريخ، ص ۶۹

- **خطای فرهنگ علمی:** مورخ تصور می‌کند که فرد فرهیخته‌ای است، زیرا شخصیت‌های تاریخی با توجه به نقشی که در بوجود آوردن رویدادهای تاریخی و نقش تعیین‌کننده در سرنوشت ملت‌ها، باید دارای درجه والائی از علم و فرهنگ باشند.

- **خطای منابع** (یا آسیب پذیری و تأثیر): هنگامی که مورخ دو نظام مشابه را ملاحظه می‌کند، می‌پندارد که یکی از آن‌ها از دیگری تأثیر پذیرفته است.

- **خطای نزدیک بودن (اقتراب):** مورخ اعتقاد دارد که گذشتگان به دوران خود نزدیک، احاطه و علم بیشتری از ما دارند و این خطا به تصور تاریخ به عنوان حافظه انسان باز می‌گردد.<sup>۱</sup>

### نمونه‌هایی از خطاهای مورخان

با استقرار حکومت اسلامی و به پایان رسیدن دوره فتوحات در ابتدای قرن دوم هجری/هشتم میلادی، مورخان به راحتی ظهور پیدا کردند و بدیهی بود کتاب‌هایی که برای رسول خدا (ص) نوشته می‌شد در اولویت خواهند بود و کتاب‌های تاریخی که به شرح تاریخ جهان، ملت‌ها، فتوحات، دولت‌ها، جنگ‌ها و کشمکش‌ها و پادشاهان می‌پردازند در مرحله بعدی قرار خواهند گرفت. مورخ اسلامی ماده تاریخی بسیار ارزشمندی را به جای گذاشت که نه تنها در بحث وقایع معتبر، بلکه در تفکرات، آگاهی‌ها، اماکن و گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک نیز مؤثر است زیرا اقدام به اثبات هر چیزی که قابلیت تاریخی داشته باشد کرد.<sup>۲</sup>

اولین نشانه از نشانه‌های آگاهی تاریخی برای مورخ اسلامی هماهنگی بین روایت با حادثه (یعنی سند یا اسناد به متن خبر یا متن است) و نقل راویان در دوره‌های زمانی آن‌ها برای تأکید صحت یک روایت یا اشاره به اختلاف در روایات است. به همین خاطر روایت شفاهی یا مکتوب بیشترین عامل را در نقل خبر داشت. این به معنای اینکه تاریخ همان اخبار از خبری که راویان آن را مورد تداول قرار داده و در کتاب‌هایی آن را ثبت می‌کردند. ابن هشام به نقل از ابن اسحاق متوفی در سال ۱۵۱ ه ق و طبری متوفی در سال ۳۱۰ ه ق به نقل از ابن هشام روایت می‌کند و سیوطی متوفی در سال ۹۱۱ ه ق از گذشتگان خود روایت می‌کند.

به درستی که روش استمرار روایت در تاریخ همان استمرار شفاهی‌ات بود و همین شفاهی‌ات به چند جلد مکتوب تبدیل شدند و در حقیقت این کتاب‌های تاریخی زیاد اگر به علت استمرار در اثبات روایات از یک واقعیت نبودند در حال حاضر اثری از آن‌ها نبود. از نتایج مترتب بر بقای روایت، همان مصداقیت واقعه بر مصداقیت سخن متواتر از گذشتگان است که صحت وقوع آن حادثه بر اثر صحت روایات و تعداد راویان می‌باشد و این موجب تعطیلی بحث در معقولیت رویداد به ذات خود شد. پس اولویت از آن روایت بود و نه صحت روایت و معقولیت رویداد تاریخی. همان‌گونه که در ابتدای بحث ذکر کردیم، ابن خلدون این امر را به شدت مورد انتقاد قرار داد. به همین خاطر به ندرت حضوری از شک و تردید را در آگاهی تاریخی

۱. صبحی، فی فلسفه التاریخ، ص ۷۰.

۲. الدوری، نشاء علم التاریخ عند العرب، ص ۲۰.

مورخ اسلامی می‌توان پیدا کرد. مورخ اسلامی در حالت‌های نادری که به مکان و یا شخصیتی مربوط بوده برخی از عبارت‌ها را بکار می‌برد مانند: (ادعا داشتند)، (ادعا می‌کنند)، (گفته می‌شود) بدون اینکه این عبارت‌ها را به شخص خاصی نسبت دهد به همین خاطر روایت کننده به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر صحت رویداد به شمار می‌رود یعنی عبارت ادعا می‌کنند و یا گفته شده به شخص خاصی نسبت داده نشده و عبارت‌ها مجهول مانده‌اند.<sup>۱</sup>

از مهم‌ترین مثال‌هایی که از روایات عجیب و غریب در منابع عربی قدیم وارد شده و رویدادهای مهمی را در تاریخ اسلامی روایت می‌کنند عبارت‌اند از:

- روایت ازدواج رسول اکرم (ص) با خدیجه همان گونه که در تاریخ طبری آمده است.<sup>۲</sup>  
- روایاتی که درباره تعداد کشته شدگان جنگ‌هایی که میان امام علی (ع) و دشمنان آن حضرت (در جنگ صفین و جمل) در تاریخ طبری و دیگر مورخان ذکر شده است.<sup>۳</sup>  
- روایات متعلق به کشته شدن خلیفه سوم عثمان بن عفان<sup>۴</sup> و دیگر شواهد و قرائن که شرح آن نیاز به حدیث مفصلی دارد.

از طرف دیگر، افسانه‌های تورات که به توصیف تاریخ و وقایعی که نقدی بر آن‌ها انجام نگرفته به کتب تاریخ اسلامی - عربی منتقل شد و دلیل آن اینکه مورخ اسلامی به دور از آگاهی دینی به جهان در پیشاپیش خود منبع دیگری برای شناخت تاریخ منطقه در اختیار نداشت و از طرفی دیگر وی (به مثابه یک مسلمان) دین یهود را به عنوان یک دین آسمانی قبول دارد.

به همین خاطر ملاحظه می‌کنیم که طبری - برای مثال - چیزهایی را به طور عینی از تورات نقل می‌کند: سلسله وار بودن بشریت از حضرت آدم (ع) را اینگونه نقل می‌کند: شیت بن آدم در حدود (نهصد و دوازده سال زندگی نمودند) و همچنین انوش بن شیت (نهصد و پنج سال) و قینان بن انوش در حدود (نهصد و ده سال) و مهلائیل بن قینان (هشتصد و سی سال).<sup>۵</sup>

این بازگشت به تورات، مورخ عربی را برای اعمال تخیل و ذهنیت افسانه‌ای خود در کنار افسانه‌های تورات باز نمی‌دارد برای مثال تورات جزئیات درگذشت حضرت ابراهیم (ع) را ذکر نموده مگر در چند سطر که می‌گوید بسیار پیر شده است.

ولی تخیل مورخ عربی چیزهایی را به آن اضافه نمود:

«هنگامی که خدای تبارک و تعالی خواستند روح حضرت ابراهیم (ع) را بگیرد، فرشته مرگ را به صورت مرد بزرگسالی برای او ارسال کرد، موسی بن هارون به نقل از عمرو بن حماد می‌گوید: اسباط به نقل از السدی

۱. مصطفی، التاریخ العربی و المؤرخون، ج ۱، ص ۸۳.

۲. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۲، ص ۲۸۲.

۳. همان، ص ۵۰۸/۵۳۹.

۴. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۱۵۸/۱۵۹.

۵. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۲، ص ۱۶۵/۱۶۳.



با استنادی که ذکر کردند می‌گوید: حضرت ابراهیم (ع) شخص مهمان‌نوازی بود و مردمان زیادی را اطعام می‌کرد، هنگامی که مشغول غذا دادن به مردم بود، پیرمردی بیرون در حال قدم زدن دید حضرت دنبال او فرستاد تا او را اطعام کند، هنگامی که پیرمرد آمد لقمه را به جای دهان در چشم خود فرو می‌برد و سپس آن را در دهان می‌گذاشت و هنگامی که وارد شکمش می‌شد آن را دفع می‌کرد، حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواست که بعد از سؤال کردن از پیرمرد، روحش را قبض کند.

در آن هنگام از پیرمرد سؤال کرد که چرا این کار را انجام می‌دهید؟ گفت ای ابراهیم این پیری است که مرا به این حال و روز انداخته است. حضرت ابراهیم فرمود: سن شما چقدر است؟ از سن حضرت ابراهیم دو سال بزرگ‌تر بود. حضرت ابراهیم (ع) فرمودند: اختلاف سنی من و شما دو سال است اگر به این سن و سال برسیم همانند شما می‌شوم؟ پیرمرد گفت: بله، حضرت (ع) فرمودند: خدایا قبل از مبتلا شدن به این اوضاع روحم را قبض کن و آن فرشته که در هیأت ملک الموت بود روحش را فراگرفت.<sup>۱</sup>

افسانه عبارت است از تخیل آدمی که نه با عقلانیت سنخیتی دارد و نه با واقعیتی که با روابط سببی واقعی و موضوعی پایبند باشد. به همین خاطر مورخ عربی - اسلامی همیشه توانایی تشخیص بین افسانه و واقعیت و تعامل با افسانه به عنوان واقعه ای که حتماً اتفاق افتاده را نداشته است و تخیل افسانه ای خود، حتی در هنگامی که مشغول شرح تاریخ اسلام بوده در ذهن خویش ماندگار مانده است. ابن الکلبی کتاب مهمی (الأصنام) را برای ما به ارمغان گذاشت به گونه ای که وجود بت‌ها نزد اعراب قبل از اسلام، آئین پرستش و رابطه قبائل عرب با بت‌های خود را در این کتاب ثبت کرده است که تا کنون به عنوان منبع مهمی در این زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی برخی از روایات این کتاب را با شرح افسانه ای درباره این بت‌ها تحریف نمود، یعنی آگاهی تاریخی او با آگاهی افسانه ای‌اش مختلط ماند.

هنگامی که درباره دو بت اساف و نائله صحبت می‌کرد، افسانه مشهور را به میان می‌آورد که می‌گوید: «اساف مردی از قبیله جرهم بود او اساف بن علی است و نائله دختر زید بن جرهم بود. اساف عاشق نائله در سرزمین یمن بود که به مکه آمدند و داخل کعبه شدند و در جایی با هم خلوت کردند و در آنجا مرتکب زنا شدند هنگامی که در بامداد آن‌ها را مرده یافتند در بیرون کعبه گذاشته شدند که بعد از آن خزاعه و قریش و هر کسی از عرب‌ها که به زیارت خانه خدا می‌آمد آن‌ها را می‌پرستید.»<sup>۲</sup> در بیشتر کتب تاریخ اسلامی - متأسفانه - چنین روایت‌هایی وارد شده است.

- درباره عزی به نقل از راویان می‌گوید: «عزی به عنوان یک شیطان در بطن نخل ظاهر می‌شد و هنگامی که خالد با شمشیر ضربه سوم را به آن وارد کرد، یک حبشی که موی خود را پراکنده کرده و دستان خود را بر پهلوهای خود گذاشته و دندان تیز می‌کرد ظاهر شد.»<sup>۳</sup>

۱. طبری، تاریخ الرسل و الملوك، ج ۱، ص ۵۲، ابن الاثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۱، ص ۱۲.

۲. کلبي، كتاب الاصنام، ص ۹.

۳. همان، ص ۲۵.

وجود بت‌ها در کعبه و همچنین شکستن و از بین بردن آن‌ها به دستور رسول خدا (ص) بعنوان یک واقعه تاریخی می‌باشد، پس بدیهی بود که بعد از فتح مکه و پیروزی مسلمانان بت‌ها شکسته می‌شدند، ولی مورخ اسلامی به شرح واقعه بسنده نکرد و به آن حالت افسانه‌ای عطا بخشید، همچنین بدون امتحان آن، به تألیف روایتی روی آورد علت آن اینکه در اساس، آگاهی وی به سطح تاریخی محض نرسیده است. وقایع مهم و واقعی زیادی از این قبیل وجود دارد که دچار افسانه‌گرایی شده است و در اینجا مجال بحث آن‌ها امکان پذیر نمی‌باشد.

### نتیجه‌گیری

تاریخ عربی - اسلامی از هنگام آغاز دعوت مبارک حضرت محمد (ص) و تا زمان سقوط دولت عربی - اسلامی و بعد از گذشتن از مرحله صدر اسلام و فتوحات بزرگ اسلامی و سپس تشکیل دو دولت عباسی و اموی و کشورهای کوچک دیگر، دربردارنده وقایع تاریخی بسیاری می‌باشد. تاریخی که قدمت آن به هفت قرن باز می‌گردد و جغرافیایی که امتداد آن بر سه قاره است. این تاریخ دربرگیرنده جهان باستان است که در برپایی و بوجود آوردن آن ملت‌های مختلفی نقش داشتند و دارای وقایع و حوادث زیادی بود که یک پژوهنده توانایی در اختیار گرفتن تمام آن‌ها را ندارد، کما اینکه شاهد پیروزی‌ها، شکست‌ها و فتنه‌های زیادی بود که پژوهشگر از گفتن علت‌ها و نتایج آن‌ها عاجز خواهد ماند.

کتاب‌های تاریخ عربی - اسلامی که برای آن دوره تاریخی نوشته شدند فراوان بودند، تا جائیکه گفته می‌شود ملت عرب از هر ملت دیگری بیشترین تولید تاریخی ادبیات را در اختیار دارد و این درست است، ولی وجود چنین خطاها و اشتباهاتی حتی اگر کم باشد، موجب از بین بردن وقایعی که در اصل اتفاق افتاده است می‌شود. قابل ذکر است که هرچه زمان از اصل خویش دورتر شود، مورخ به حقیقت نزدیک‌تر و حوادث تخیلی نیز برداشته خواهند شد، همچنین درباره شخصیت‌هایی که دارای منزلت دینی بوده و ممکن است مورخ شخصیت افسانه‌ای به آن عطا دهد.

ما - با تأسف شدید - همچنان در مدارس و دانشگاه‌ها تاریخی را که غالباً برخاسته از داستان‌های تاریخی بر وفق آن چیزی که مورخان گذشته آن را ذکر کرده‌اند می‌آموزیم، جدای از اینکه انسان مسلمان و عرب همچنان از شنیدن آن داستان‌ها در محفل‌ها، اماکن و ماهواره‌ها از طریق احادیث جمعه و خطبه‌ها و برنامه‌های دینی متنوع و بواسطه واعظان قدیم و جدید لذت می‌برد که موجب تقویت آگاهی قدیم به تاریخ و رویکرد افسانه‌ای شده است.

### فهرست منابع و مأخذ

- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی کرم الشیبانی. *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۵
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. *مقدمه ابن خلدون*، بیروت: دار العوده، ۱۹۸۱
- ابن کلبی، هشام بن محمد بن السائب. *کتاب الاصنام*، قاهره: بولاق تصویر الدار القومیه، ۱۹۶۵

- **الكتاب المقدس (العهد القديم و العهد الجديد)**، بیروت: بی نا، ۱۹۸۶
- دوری، عبدالعزیز. **نشأه علم التاريخ عند العرب**، بیروت: بی نا، ۱۹۶۰
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. **تاریخ الخلفاء**، قاهره: بی نا، ۱۹۶۴
- صبحی، احمد محمود. **فی فلسفه التاريخ**، بنغازی: بی نا، ۱۹۹۹
- صیداوی، نجیب. **اوهام الخلط**، بنغازی: جامعه قار یونس، ۱۹۸۹
- طبری، محمد بن جریر. **تاریخ الرسل و الملوک**، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۶۸
- عاملی، مصباح. **ابن خلدون و تفوق الفكر العربی**، طرابلس: الدار الجماهيریه للنشر و التوزیع و الاعلان، ۱۹۸۸.
- مصطفی، شاکر. **التاریخ العربی و المؤرخون**، ج ۱، بیروت: بی نا، ۱۹۸۹.

